



Analyzing the Individual and Social Politeness in the Qur'an and its Educational Functions

Mohammad Ali Hemati ¹ | Ali Shiravani Shiri ² 

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.1.1

Abstract

The purpose of the present research is to analyze the individual and social aspects of the concept of politeness in the Quran and its educational functions. This research was conducted with a qualitative approach, using the library data collection method, inductive qualitative content analysis method, and using a three-stage coding system for data analysis. The findings show that politeness is generally mentioned in the Qur'an and can be explained by the centrality of man's relationship with God. These politeness behaviors include: the courtesy of thanking God, the courtesy of obeying divine commands, the courtesy of attending holy places and places of worship, and observing the courtesy of a certain time. Social politeness behaviors in the Qur'an also briefly include: a. Politeness towards divine saints, b. Courtesy towards parents such as thanking and praying for them, giving to them, obeying and getting permission to enter the parents' house c. Etiquette in society, such as hospitality etiquette, hospitality etiquette, conversation etiquette, etiquette in interaction with neighbors, and etiquette of a student in interaction with a teacher. According to examples and applications of politeness in the Holy Quran, the educational functions of politeness are also a. modeling b. Enhancing the relationship between man and God C. Enhancing the feeling of self-worth d. Promotion of personal identity e. Promotion of family relationships and. Promotion of social identity and Promotion of human social interactions.

Keywords: Holy Quran, Politeness, Individual Politeness, Social Politeness, Education.

1. Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Ahlul Bayt Education, Faculty of Quranic Sciences and Ahlul Bayt Education, University of Shiraz, Iran
2. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of General Studies, Farhangian University, Tehran, Iran
Ali_shiravani@cfu.ac.ir

Cite this Paper: Hemmati, Mohammad Ali, & Shirvani Shiri, Ali. (1404). Analyzing the individual and social dimensions of literature and its educational functions from the perspective of the Quran. Research in Islamic Education, 33(66), 39-11.

تحليل الأبعاد الفردية والاجتماعية للأدب ووظائفه التربوية من وجهة نظر القرآن الكريم

محمد علي همتي^١ | علي شيرواني شيري^٢

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.1.1

الملخص

يهدف هذا البحث إلى تحليل الأبعاد الفردية والاجتماعية لمفهوم الأدب في القرآن الكريم ووظائفه التربوية. تم إجراء هذا البحث باستخدام المنهج النوعي، وذلك باستخدام طريقة جمع المعلومات المكتوبة، وطريقة تحليل المحتوى النوعي الاستقرائي، واستخدام نظام الترميز ثلاثي المراحل لتحليل المعلومات. تشير نتائج البحث إلى أن الأدب المذكورة بشكل عام في القرآن، وأن الأدب الفردية التي تتجذر في طبيعة الإنسان، يمكن تفسيرها بمركزية علاقة الإنسان بالله. تشمل هذه العادات: أدب شكر الله، وأدب طاعة الله، وأدب التواجد في الأماكن المقدسة، ومراعاة أدب الأوقات الخاصة. ومن الأدب الاجتماعية في القرآن أيضاً: أ. التأدب تجاه الأولياء الإلهيين ب. الأدب مع الوالدين والبر بهما وإطاعتهم والإذن بالدخول إلى بيتهما ج. الأدب في المجتمع، مثل آداب الضيافة والاستضافة، وآداب المحادثة، وآداب التعامل مع الجيران والأساتذة. ونظراً إلى أمثله وتطبيقات الأدب في القرآن الكريم، فإن وظائف الأدب التربوية هي أيضاً أ. النمذجة ب. تحسين العلاقة بين الإنسان والله ج. تعزيز القيمة الذاتية د. ترقية الهوية الشخصية هـ. تعزيز العلاقات الأسرية و. تعزيز الهوية الاجتماعية ز. تعزيز التفاعلات الاجتماعية للإنسان.

الكلمات الرئيسية: القرآن الكريم؛ الأدب؛ الأدب الفردي؛ الأدب الاجتماعي؛ التربية.

السنة ٣٣

ربيع ١٤٠٤

صص: ٣٩ - ١١

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥ / ١ / ٢٤

تاريخ المراجعة: ١٤٤٥ / ٥ / ١٦

تاريخ القبول: ١٤٤٦ / ١٢ / ٥

تاريخ النشر: ١٤٤٧ / ١ / ٢٧

ISSN: 2251-6972
E- ISSN: 2645-5196

١. أستاذ مساعد، قسم علوم القرآن الكريم وتربية أهل البيت (ع)، كلية علوم القرآن الكريم وتربية أهل البيت (ع)، جامعة شيراز، إيران

٢. المؤلف المراسل: أستاذ مساعد، قسم العلوم التربوية، كلية الدراسات العامة، جامعة فرهنجيان، طهران، إيران

Ali_shiravani@cfu.ac.ir

الاقتباس: همتي، محمد علي، وشيرواني شيري، علي. (١٤٠٤). تحليل الأبعاد الفردية والاجتماعية للأدب ووظائفه التربوية من منظور القرآن الكريم. بحوث في التربية الإسلامية، ٣٣(٦٦)، ٣٩-١١.

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.1.1



الناشر: جامعة الإمام الحسين (ع)
المؤلفون هذه المقالة متاحة لك بموجب رخصة المشاع الإبداعي (CC BY).



۶۶

سال سی سوم
بهار ۱۴۰۴
صص: ۳۹-۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

شاپا چاپی: ۶۹۲۲-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



نشریه علمی پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی

واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی ادب و کارکردهای تربیتی آن از منظر قرآن

محمد علی همتی^۱ | علی شیروانی شیرازی^۲

DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.1.1

چکیده

هدف پژوهش، واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی مفهوم ادب در قرآن و کارکردهای تربیتی آن است. این پژوهش با رویکرد کیفی و با به کارگیری روش گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی و بهره‌گیری از نظام کدگذاری سه مرحله‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن به صورت کلی به آداب اشاره شده است، ادب فردی در قرآن که ریشه در فطرت وی داشته، با محوریت ارتباط انسان با خداوند قابل تبیین است. این آداب عبارتند از: ادب تشکر از خدا، ادب اطاعت خدا، ادب حضور در مکان‌های مقدس و رعایت ادب نسبت به زمان خاص. آداب اجتماعی در قرآن نیز عبارتند از: الف. ادب نسبت به اولیاء الهی، ب. ادب نسبت به والدین، اتفاق به آنان، اطاعت و کسب اجازه برای ورود به منزل والدین ج. ادب در جامعه مانند ادب مهمانی و میزبانی، ادب گفت‌وگو، ادب در تعامل با همسایه و استاد. با توجه به مصادیق و موارد کاربرد ادب در قرآن کریم، کارکردهای تربیتی ادب نیز عبارتند از الف. الگوپردازی ب. ارتقاء رابطه انسان با خدا ج. ارتقاء احساس ارزشمندی د. ارتقاء هویت شخصی ه. ارتقاء روابط خانوادگی و. ارتقاء هویت اجتماعی و ی. ارتقاء تعاملات اجتماعی انسان. شناسایی عوامل و مؤلفه‌های زمینه‌ساز ادب فردی و اجتماعی در برنامه درسی حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر، حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و به طور ویژه در حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده در دوره‌های مختلف تحصیلی از پیشنهادات پژوهش است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم؛ ادب؛ ادب فردی؛ ادب اجتماعی؛ تربیت

۱. استادیار، گروه علوم قرآن و معارف اهل بیت، دانشکده علوم قرآن و معارف اهل، دانشگاه دانشکده علوم قرآن و معارف اهل بیت، شیراز، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده عمومی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران Ali_shiravani@cfu.ac.ir

استناد: همتی، محمد علی، & شیروانی شیرازی، علی. (۱۴۰۴). واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی ادب و کارکردهای تربیتی آن از منظر قرآن.

پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۳(۶۶)، ۳۹-۱۱. DOR: 20.1001.1.22516972.1404.33.66.1.1



© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

انسان با توجه به هدف خلقت که همان قرب و رضوان الهی است که از مسیر رشد و هدایت صحیح می‌گذرد، نیازمند رعایت قواعد و ضوابطی است تا مسیر تکامل را به درستی پیماید. از این جهت خداوند در کتب آسمانی این قواعد را در قالب آدابی که سراسر خیر است و مطمئن‌ترین راه در مسیر سعادت، به انسان گوشزد می‌کند، تا در سایه‌ی رعایت آن، بشر آرامش در حیات اجتماعی را تجربه نماید. این آداب به دلیل آثار مطلوبی که در جامعه برجای می‌گذارند نه تنها نظام اجتماعی را سامان می‌دهد، بلکه فرد را نیز در مسیر سعادت و کمال راهنمایی می‌کند.

واژه‌ی ادب از جمله لغاتی است که در قرآن کریم بکار نرفته‌است اما به مفاهیم گسترده‌ی تربیتی آن در آیات روح‌بخش قرآن اشاره شده‌است. اصل و ریشه‌ی این واژه به معنای دعا بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۰۶ و فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۵). آدب به معنای دعوت و جمع کردن مردم بر سر سفره خود نیز از همین ریشه است (جوهری، ۱۴۰۷: ۸۶). همچنین گفته شده هرآنچه که مورد ستایش قرارگیرد، اعم از گفتار و عمل بر "ادب" دلالت دارد و همه‌ی فضایل، مکارم و رفتارهای پسندیده را شامل می‌شود (حسینی‌زیدی، ۱۴۱۴: ۲۹۶). همانطور که در زبان پیامبر گرامی اسلام به معنای اصلاح و پرورش اخلاقی بکار گرفته می‌شود "ادبی ربی فاحسن تادیبی" (ابن اثیر، ۱۴۲۱: ۲). واژه‌ی "ادب" پس از وضع در معنای "ظرافت‌های میهمان‌داری"، گسترش معنایی یافت و به "هر گونه دقت و ظرافت در برخورد با دیگران" یا به عبارت دیگر کیفیت پسندیده اعمال و رفتارها اطلاق شد؛ به عبارت دیگر از معنی حسی آن (دعوت به طعام) به معنی ذهنی (دعوت به بزرگ‌منشی‌ها و اخلاق ستوده) انتقال یافت. سپس علاوه بر چگونگی فعل و رفتار این واژه درباره‌ی خود "رفتارهای نیک" به کار رفت. سپس به "مجموعه افعال اخلاقی زیبا و نیک" نیز اطلاق شد (فیومی، ۱۴۱۴: ۹ و طریحی، ۱۳۷۵: ۵). این نکته لازم به ذکر است که زمانی که "کیفیت و چگونگی فعل" ادب خوانده می‌شود، "فعل" باید راجع و یا دست‌کم مباح باشد. زیرا در درون "ادب" حسن نهفته است (ابن عباد، ۱۴۱۴: ۳۷۷). و شامل افعال بد نخواهد بود (حسینی‌زیدی، ۱۴۱۴: ۲۹۶). معنای دیگر آن، توصیفی است برای فاعل اعمال نیک؛ یعنی به انسانی با کمالات اخلاقی و پسندیده "با ادب" گفته می‌شود. در عصر بنی‌امیه کلمه‌ی "ادب" در معنی

اخلاقی و تربیتی استعمال شده است و پیش از پایان آن دوره، معنایی معادل با کلمه "آموزش" بدان اضافه گردید و بدین ترتیب به معلمینی که به فرزندان خلفا فرهنگ عربی را می آموختند "موبین" گفته شد. این استعمال جدید موجب شد که "ادب" شامل همه‌ی علوم و معارفی که سبب رشد و ارتقاء انسان می شود اعم از مذهبی و غیرمذهبی شود. بنابراین، در توسعه‌ی معنایی، مفهوم "ادب"، شامل همه‌ی علوم شد. شاید بتوان فرازی از نهج البلاغه را شاهد این ادعا دانست که می فرماید "فبادرتک بالادب قبل ان یقسوا قلبک" (نهج البلاغه: نامه ۳۱). که حضرت علی (ع) به مواردی از اخلاق پسندیده و دانش‌ها و معارف گوناگون اشاره می فرمایند (امامی راد، ۱۳۹۳). در نتیجه گاهی واژه‌ی "ادب" به "علم" نیز اطلاق می شود (بهارى اردشیری، ۱۳۸۱). به همین دلیل به علومى که با ظرافت و دقت‌های لفظی سروکار دارد علوم ادبی و ادبیات گفته می شود (عمید، ۱۳۷۵: ۸۲).

ادب در اصطلاح به معنای جمع کردن خصلت‌های ستوده و دوری از صفات زشت است و به وسیله‌ی آن انسان به مقام‌های بلند در دنیا و آخرت می رسد (دیلمی، ۱۳۷۶: ۴۲۹). از منظر علامه طباطبایی ادب عبارت است از ظرافت عمل و معلوم است که عمل وقتی ظریف و زیبا جلوه می کند که اولاً مشروع بوده و منع تحریمی نداشته باشد، پس در ظلم و دروغ و خیانت و کارهای شنیع و قبیح ادب معنا ندارد. و ثانیاً عمل اختیاری باشد، یعنی ممکن باشد که آن را در چند هیأت و شکل در آورد و شخص به اختیار خود آن را به وجهی انجام دهد که مصداق ادب واقع شود. در تبیین وجوه تمایز ادب و اخلاق نیز می توان گفت که اخلاق وصف روح است و با آن سروکار دارد و زاییده‌ی مقتضات اجتماع می باشد، درحالیکه ادب وصف عمل است چراکه ادب نتیجه اخلاق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۳۶۶). در واقع، آداب متغیر و تحت تاثیر رسوم اجتماعی است و شامل امور اکتسابی است، مقصود از رسم، عملی است که در گذشته برای دستیابی به منافعی و یا حفظ مصلحتی پدید آمده است (قائمی، ۱۳۶۸: ۱۱۴). اما اخلاق ثابت و تابع اصول کلی است، یعنی مربوط است به نظامی که انسان به غرائزش می دهد (مطهری، ۱۳۸۰: ۱۵۴). به عبارت دیگر اخلاق ضابطه‌ای است که بر اجرای آداب مسلط است (قائمی، ۱۳۶۸). این نکته لازم به ذکر است که معمولاً آداب تابع زمان و مکان است، این درحالی است که اخلاق عمومی و کلی است (نیلی پور، ۱۳۸۷: ۴۰).

آداب فردی برای تامین رابطه‌ی صحیح بین بشر و خداوند و همینطور کسب رضایت پروردگار و در نتیجه آرامش و اطمینان قلبی انسان در زندگی امری لازم و ضروری است چراکه انجام یک عمل در این مسیر بدون رعایت این آداب، ضمن اینکه ممکن است انسان متحمل رنج و سختی شود، با این حال رضایت پروردگار را بدنبال نخواهد داشت. در بعد اجتماعی نیز یکی از ارکان مهم حفظ قوام روابط اجتماعی نهادینه شدن ادب و احترام به یکدیگر است.

هدف این پژوهش واکاوی ابعاد فردی و اجتماعی مفهوم ادب در قرآن و کارکردهای تربیتی آن بر اساس مصادیق قرآنی آن است. از این رو آداب مترتب بر روابط انسان با خالق به عنوان آداب فردی و روابط انسان با دیگران و جامعه به عنوان آداب اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی نظری

هدف دین اسلام و البته تمام ادیان الهی، رشد و هدایت بشر است که از طریق ارائه قوانین و دستورالعمل‌ها و رعایت آن از سوی بشر، این هدف قابل تحقق است. دین اسلام برای تحقق این هدف، قوانین هدایت و سعادت را در قالب‌های گوناگون و از آن جمله رعایت آداب خاصی برای تأثیر و نتیجه‌ی بهتر ارائه می‌کند.

ادب، حدشناسی، قلمرودانی و نگاهداشت جایگاه و حد خویشتن است که بر معرفت نفس و معرفت رب استوار می‌باشد؛ چه این که ادب انسان خود آگاه خدا آگاه، ادب مع الله، ادب عندالله و حریم نگاهداشتن و شریعت‌محوری در فکر، قول و عمل است (رودگر، ۱۳۸۳: ۵۴). ادب، از منظر عرفا و دین‌شناسان ریشه در قرآن و سنت دارد و منبعث از آیات و معارف قرآنی است (شمس و فرحانی‌زاده، ۱۴۰۰). در قرآن کریم، ادب گاه به معنای حفظ حدود و حرمت الهی "حافظون لحدود الله" (۱۱۲/۲)، و در جایی دیگر به معنای برحذر داشتن از غفلت از حدود الهی و بی‌ادبی نسبت به ساحت آن "تلك حدود الله و من يتعد حدود الله فقد ظلم نفسه" (۶۵/۶۵). قرآن کریم به طور مستقیم و غیرمستقیم، به رعایت ادب و حرمت انسان در ارتباط با خود و سایر انسان‌ها و به‌ویژه در ارتباط با والدین و در رأس همه در ارتباط با خدا، تأکید دارد.

با نگاهی انسان‌شناختی از نظر قرآن، حضرت آدم به عنوان نخستین انسان در روی زمین، خلیفه خداوند است (۳۰/۲) و سجده فرشتگان (۲۹/۱۵-۳۰) از آن‌روست که او مورد تکریم و تعلیم الهی، قرار گرفته است (۳۱/۲). خداوند انسان را در بهترین بنیان آفرید (۴۰/۹۵) همچنین خداوند آنچه را که در زمین و آسمان است، برای انسان آفرید (۲۰/۳۱). این گونه آیات و نظیر آن (۱۷/۷۰)، از جمله شواهد کرامت ذاتی انسان است. بنابراین انسان به دلایل قرآنی که ذکر شد و همچنین ظرفیت‌ها و امکانات خاص از جمله توانایی تفکر و تعقل، آزادی تکوینی و اراده و اختیار، هم کرامت ذاتی دارد و هم می‌تواند کرامتی اکتسابی به دست آورد و این قابلیت را دارد که خلیفه خدا در روی زمین باشد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱). آنچه این انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند، تاثیرپذیری او از قانون‌های تعلیم و تربیت در سطوح مختلف آن است. زمانی که یک انسان تحت تربیت صحیح قرار می‌گیرد، تکامل می‌یابد و هرچه این در این مسیر عمیق‌تر وارد شود به انسان کامل نزدیک‌تر خواهد شد. بنابراین اینچنین خداوند متعال زیربنای اصل مهم هدایت، رشد، تکامل و سعادت انسان‌ها را پی‌ریزی می‌کند. بنابراین، خداوند حکیم، مجموعه رفتارهای انسان را بسیار هدفمندانه وضع نموده است. بدین ترتیب انسان‌ها با التزام به انجام صحیح دستورات الهی که از آن جمله رعایت ادب در ارتباط با خدا، والدین و دیگر مخلوقات خدا است به سعادت واصل خواهند شد.

صراحت متون مقدس و معتبر اسلامی در توجه به نقش والدین در تأدیب و تربیت، همچنین تنوع و تکرار فراوان آنچه در روایات و احادیث درباره وظایف تربیتی خانواده آمده است، اجماعی کلی درباره مسئولیت والدین نسبت به تربیت فرزندان در میان علمای دینی و کارشناسان تربیت اسلامی پدید آورده است. پیامبر گرامی اسلام، ادب نیکور را بالاترین و ارزشمندترین هدیه و ارث یک پدر برای فرزند و آن را مایه آمرزش برای والدین و از حقوق فرزند بر پدر دانسته‌اند (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۱۷۵).

امام علی (ع) درباره ارزش و اهمیت ادب و ادب‌آموزی در نامه‌ای به امام حسن (ع) می‌فرماید: "پسرم ادب باعث رشد و شکوفایی عقل و پاکی و پیراستگی قلب و نشان فضیلت و فروزندی شخصیت است (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱).

در آینه کربلا نیز ادب انسان‌های کامل، از امام و مأموم به صورت تمام عیار ترسیم شده است. عاشورا در حقیقت، فرهنگستان ادب ولایی و توحیدی و ادبستان رحمانی و روحانی است و معلم و مربی، آن انسان کامل و امام زمان عاشورا، یعنی حسین بن علی (ع) و شاگردان ایشان از بنی‌هاشم بوده‌اند (رودگر، ۱۳۸۳: ۵۴).

پیشینه پژوهش

از نظر قائدی (۱۴۰۱)، جامع‌ترین ادب و آداب سخن را می‌توان در قرآن راه‌یابی کرد. قرآن کریم و احادیث معصومین (ع) بر اهمیت ادب در بیان و اینکه مسئولیت و وظیفه می‌باشد، تأکید دارند. ادبیات قرآن در عالی‌ترین سطح ممکن است تا آنجا که یک نوع از اعجاز قرآن، اعجاز ادبی آن است.

رمضانی‌نژاد (۱۴۰۱)، اظهار می‌دارد که ادب، ثمره و نتیجه عقل است. به عبارت دیگر "عقل مودب" نتیجه نهایی تلاش‌های بشری در حوزه‌های مختلف ارتباطی است. ادب که یکی از موضوعات اخلاقی و معرفتی است به دو بخش "ادب انسانی و ادب الهی" قابل تقسیم است. ادب انسانی ریشه در عقل عملی دارد و ادب الهی ریشه در عقل نظری. اگر انسان همسو با بایسته‌های عقل عملی رفتار کرده از نظر انسانی فردی مودب است و اگر در بستر عقل نظری از مرزهای شناخته شده الهی حفاظت عملی نماید، به ادب الهی نائل آمده است. چنین به نظر می‌آید که شریعت نسبت بین عقل و ادب را نسبتی علی و معلولی و یا نسبتی تکمیلی قلمداد نموده بدین نحو که ادب، علت شکوفایی و فعلیت عقل است.

موثقی (۱۴۰۰) در پژوهشی تلاش کرده است تا با توجه به آیات قرآن و روایات و با استفاده از تفاسیر قرآنی نقش ادب‌ورزی و ادب‌مندی در قرآن را بررسی نماید. یافته‌های پژوهش وی نشان داد که با توجه به آیات قرآن، ادب در سیاست، اقتصاد، فرهنگ، اجتماع و به طور کلی در محتوای زندگی انسان جریان دارد و با رعایت ادب، انسان به سعادت می‌رسد.

ایازی (۱۴۰۰) در پژوهشی ابعاد تعاملات اجتماعی مطلوب در سطوح مختلف و مبتنی بر ادب حضور در بارگاه منور رضوی را مورد مطالعه قرار داده است تا با ترسیم مختصات ادب‌ورزی در ساحت امام معصوم زیارت مطلوب را برای ارادتمندان ارائه دهد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زیارت مؤدبانه آثار فردی و اجتماعی در زندگی افراد خواهد داشت. در زمینه محیطی بر خردورزی و حاکمیت سکوت و پرهیز از اموری که باعث اختلال در ادب می‌شود تأکید شده است. در زمینه مسئولیت متولیان، به نهادهای سازنده ادب زیارت و توسعه معرفتی اشاره شده است. در ارتباط با خدام و زائرین نیز توجه به عنصر معرفتی مورد تأکید است (ایازی، ۱۴۰۰، ۱۸۳).

از نظر قادری (۱۳۸۸)، ادب یکی از نشانه‌های بزرگی و شرافت و یکی از اصول والای انسانی است، در قرآن کریم اگرچه با صراحت از لفظ ادب یاد نشده، اما در تمامی آیات قرآن این اصل اساسی به طور دقیق رعایت شده است، بویژه آن که در برخی از آیات قرآن کریم این مسئله با لطافت و ظرافت خاصی مورد توجه قرار گرفته است. مواردی چون ادب دعا، ادب پیامبران و اولیای خدا به هنگام وفور نعمت‌ها و نزول بلاها در قرآن و استفاده قرآن از زبان کنایه و نمونه‌های دیگر قرآنی به ما می‌آموزد که چگونه شایسته است با خداوند تعالی و اولیای او و دیگر مردمان سخن بگوییم تا رعایت ادب را کرده باشیم.

بررسی پیشینه پژوهش، نشان داد که در عرصه علوم انسانی و از آن جمله اخلاق، علوم دینی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی همواره ادب و ادب‌ورزی مورد توجه پژوهشگران مختلف بوده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین، ابتدای آن بر قرآن کریم و کاربردی بودن آن در حوزه تعلیم و تربیت است. در این پژوهش ابعاد فردی و اجتماعی این مفهوم در قرآن مورد واکاوی قرار گرفته و بر مبنای آن، کارکردهای تربیتی ارائه خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های آن از نوع کیفی است. پژوهش حاضر درزمره تحقیقات تحلیلی قرار دارد؛ زیرا در آن، مفهوم ادب از منظر آیات و آموزه‌های قرآنی تحلیل شده است. همچنین با توجه به آنکه بر مبنای داده‌های اولیه حاصل از تحلیل مفهومی، دلالت‌ها و راهکارهای تربیتی متناسب با موضوع استخراج شده است، می‌توان آن را درزمره تحقیقات

استنتاجی قرار داد. تحلیل مفهومی عبارت است از تحلیلی که توسط آن، به فهم معتبر از معانی عادی یک مفهوم یا مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط دست می‌یابیم (کومبز و دنیلز، ۱۳۹۴: ۴۳-۴۷). از آنجا که تحقیق حاضر از نوع کیفی است و در آن، در پی دستیابی به فهمی عمیق از مفهوم ادب جنبه‌های آن بوده‌ایم، تمام آیات مرتبط با موضوع پژوهش و دیگر اسناد مرتبط در قالب کتاب و مقاله، جامعه آماری تحقیق محسوب می‌شوند. روش نمونه‌گیری از نوع هدفمند است؛ بدان معنا که براساس اهمیت مدارک و ارتباط معنایی با موضوع ادب، آیات قرآن و آثار مکتوب مرتبط، تا دستیابی به نقطه اشباع انتخاب و بررسی شدند.

همچنین از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. برطبق منطق استقرایی، محقق از اطلاعات جزئی به سمت مقوله‌هایی کلی پیش رفت. بر اساس تحلیل محتوای استقرایی و بهره‌گیری از نظام کدگذاری سه مرحله‌ای، از شواهد متنی، ابتدا کدهای باز احصاء شدند و سپس با مقایسه معنایی کدهای باز، کدهای محوری و در نهایت کد گزینشی احصاء شد.

سؤالات پژوهش

- ۱- مصادیق ادب فردی و اجتماعی در قرآن کدام‌اند؟
- ۲- کارکردهای تربیتی ادب فردی و اجتماعی در قرآن کدام‌اند؟

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، بر اساس پرسش‌های پژوهش که عبارتند است از الف. مصادیق ادب فردی و اجتماعی در قرآن کدام‌اند؟ و ب. کارکردهای تربیتی آن کدام‌اند؟، ارائه شده است. خلاصه شواهد، کدهای باز، محوری و مقوله‌های اصلی احصاء شده از آموزه‌های قرآن کریم در جدول شماره ۱ ارائه شده است. در ستون اول، شواهد قرآنی، در ستون دوم به طور متناظر با شواهد مرتبط در ستون نخست، کدهای باز احصاء شده است. در ستون سوم، متناظر با شواهد مرتبط در ستون نخست و کدهای باز احصاء شده در ستون دوم، کدهای محوری ارائه شده است. در ستون چهارم نیز مقوله‌های اصلی احصاء شده ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز، محوری و گزینشی

شواهد	کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی
- شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است (۱۴/۳۱). - پس مرا یاد کنید [تا] شما را یاد کنم و شکرانه‌ام را به جای آرید و با من ناسپاسی نکنید (۱۵۲/۲). - ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و کرده‌های خود را تباه مکنید (۳۳/۴۷) - این منم پروردگار تو پای‌پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس طوی هستی (۱۲/۲۰). در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند (۳۶/۲۴) و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود (۲۲/۴۰) - سوگند به صبح چون جهان را روشن سازد - سوگند به صبح روشن وقتی که دم زند» (۱۸/۸۱) - سوگند به صبحگاه (۱/۸۹). سوگند به عصر (۱/۱۰۳) - "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید" (۲/۴۹) - "ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و کرده‌های خود را تباه مکنید" (۳۳/۴۷)	ادب تشکر از خدا در قرآن اطاعت از فرمان خدا ادب حضور در مکان‌های مقدس ادب حضور در محل عبادت و مسجد ادب نسبت به طلوع آفتاب ادب نسبت به غروب آفتاب ادب در گفت‌وگو با اولیاء الهی پیروی	ادب در پیشگاه خداوند ادب نسبت به مکان خاص ادب نسبت به زمان خاص ادب نسبت به اولیاء الهی	ادب فردی در قرآن ادب اجتماعی در قرآن

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز، محوری و گزینشی

شواهد	کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی
- "و با پدر و مادر خود نیکرفتار بود و زورگویی نافرمان نبود" (۱۴/۱۹) و انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد. از شیر باز گرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت به سوی من است (۱۴/۳۱). "پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند" (۲۴/۱۷) "هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راهمانده تعلق دارد، و هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست" (۲۱۵/۲). "در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن" (۱۵/۳۱) "و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده‌کار است" (۵۹/۲۴)	نیکی به والدین	ادب در پیشگاه والدین	
	تشکر از والدین		
	دعا در حق والدین		
	انفاق به والدین		
	اطاعت از والدین		
	کسب اجازه برای ورود به منزل والدین		
"ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید این برای شما بهتر است باشد که پند گیرید" (۲۷/۲۴) "آیا خبر مهمانان ارجمند ابراهیم به تو رسید؟ و ن بر او درآمدند پس سلام گفتند گفت سلام مردمی ناشناسید؟ پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان] آورد * آن را به نزدیکشان برد [و] گفت مگر نمی خورید" (۲۷-۲۴/۵۱)	آداب مهمانی	ادب در جامعه	
	آداب میزبانی		

جدول ۱. نتایج کدگذاری باز، محوری و گزینشی

شواهد	کدهای باز	کدهای محوری	کدهای گزینشی
- و به بندگانم بگو آنچه را که بهتر است بگویند که شیطان میانشان را به هم می زند زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است (۵۳/۱۷). آیات (۱۸/۳۹)، (۴۴/۲۰)، (۶۳/۴)، (۲۱/۴۷)، و (۱۶/۱۲۵)	آداب گفت‌وگو		
"و خدا را پرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همنشین و در راه‌مانده و بردگان خود [نیکی کنید] که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد" (۳۶/۴)	ادب در تعامل با همسایه		
"موسی به او گفت آیا تو را به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده ای به من یاد دهی پیروی کنم" (۶۶/۱۸)	ادب شاگرد در تعامل با استاد		

ادب فردی در قرآن

انسان فطرتاً به سوی ارتباط با مبدأ خلقت و کمال متمایل است، به طوری که این نیاز بشر به جز از این طریق، یعنی ارتباط با خالق تمام هستی، اقیان نخواستد شد. نیایش با خداوند، بهترین شیوه برای پاسخ به این نیاز بشر است که به صورت فطری همواره مورد توجه و استفاده انسان قرار گرفته است. لذا در قرآن به آدابی حاکم بر این رابطه‌ی صرفاً بین خالق و مخلوق اشاره شده‌است تا انسان بتواند جمیع فیوضات و آثار مطلوبش را کسب نماید و مسیر تکامل را بهتر طی کند. لذا در این بخش به آدابی که در حوزه‌ی ارتباط انسان با خداوند، در قرآن اشاره شده‌است می‌پردازیم.

ادب تشکر از خدا در قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم بارها به طرق مختلف انسان‌ها را به تشکر از خویش بخاطر نعمت‌های بی‌شماری که در اختیارشان قرار داده‌است دعوت می‌کند "أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِير" (۱۲/۳۱). البته حقیقت شکر زمانی محقق می‌شود که توام با بزرگداشت و تعظیم

نعمت‌دهنده باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۱۷۵). خداوند در آیه‌ی "فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ" (۱۵۲/۲) از بندگانش می‌خواهد به نعمات اعتراف کنند و این گونه سپاسگزاری کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۱۱۹). همچنین می‌توان وجوب شکرگزاری را از این آیه "ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ" (۵۲/۲) استنباط نمود. البته عده بندگانی که پیوسته در حال تشکر از خداوند هستند بسیار کم است "وَقَلِيلٌ مِنَ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ" (۱۳/۳۴). وجوب تشکر از خداوند متعال به جهت رعایت ادب و احترام نسبت به ساحت مقام ربوبی پروردگار است تا انسان با انجام هریک از مراحل شکرگذاری گامی در مسیر مؤدب ساختن خویش در برابر منعم حقیقی خویش بردارد.

ادب اطاعت از دستورات الهی

ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید و کرده‌های خود را تباه نکنید (۳۳/۴۷). در تفسیر نور، برخی پیام‌ها آیه عبارتند از الف. شخصیت‌دادن و تکریم مؤمنان، ب. رعایت اولویت و سلسله مراتب چون در این آیه نام خداوند قبل از پیامبر آمده است و ج. اطاعت از فرامین خدا که لازمه ایمان (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۰۱). بنابراین، پیروی از دستورات الهی و رعایت اولویت از جمله رعایت ادب و آداب از سوی یک مؤمن قلمداد می‌شود که با این آداب خداوند در پی تکریم و تشخص بخشی به انسان مؤمن است.

ادب حضور در مکان‌های مقدس

رعایت ادب و احترام در هر امری، برای دست‌یابی بهتر به نتیجه و هدف، لازم است. یکی از امور مرتبط با همه‌ی انسان‌ها نحوه‌ی حضور در اماکن مقدس است که به عنوان یک مکان معنوی، شرایط ارتباط مخلوق و خالق را میسر می‌کند، همچنین محل توجه خاص خداوند به انسان است و آغاز خلقت بشر تاکنون همواره در زندگی او نقش بسیار موثری را ایفا می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید "إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى" (۱۲/۲۰) "من پروردگار توام! کفش‌هایت را بیرون آر، که تو در سرزمین مقدس طوی هست. در این آیه ابتدا باید مشخص شود که منظور از واژه "طوی" چیست؟ با مطالعه‌ی تفاسیر ذیل این آیه مشخص می‌شود که به عقیده‌ی غالب مفسران "طوی" نام جلگه‌ای است که در دامنه‌ی کوه

طور قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۰، طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۶: ۱۳)، در برخی تفاسیر گفته شده مکانی که دوبار تقدیس و پاک شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۵). در حقیقت این نام و توصیف دلیلی است که خدای سبحان به حضرت موسی ع امر می کند که کفش هایش را از پا خارج نماید تا این چنین شرط ادب و احترام آن مکان را به جای آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۹۰).

همچنین به خواست خداوند خانه‌هایی مورد احترام هستند "فِي بَيْوتِ الَّذِينَ يُدْعُونَ اللَّهَ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ" (۲۴/۳۶). از آن جایی که این خانه‌ها منتسب به خدا هستند و در آن جا همواره "يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُهُ"، پس منزلت این مکان‌ها رفیع می شود "أَنْ تُرْفَعَ" و از مصادیق یقینی آن، مساجد هستند که همیشه برای یاد خداوند مهیا هستند و از ابتدا برای این امر بنا شده‌اند "وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا" (۲۲/۴۰)، بنابراین شایسته‌ی رعایت ادب و احترام هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۲۳۰). با تأمل در آیات قرآن کریم، آداب حضور در مساجد عبارتند از:

۱. به همراه داشتن زینت: یکی از آداب ورود به مساجد به عنوان یک مکان مقدس به همراه برداشتن زینت در موقع رفتن به سوی مسجد است "يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ..." (۳۱/۷). که منظور، آرایش معنوی متناسب با عبادات است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۹۹). و به عقیده برخی یعنی پوشیدن لباس‌های نو و زیبا به هنگام همه‌ی نمازها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۳۳ و کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۴: ۲۲). می توان نتیجه گرفت که مراد از برگرفتن زینت در این آیه، علاوه بر زینت ظاهری، زینت‌های معنوی را نیز شامل می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۱۴۸). بنابراین به همراه داشتن زینت در مساجد مقدس، نوعی احترام به پروردگار و بندگان اوست، همینطور موجب ترغیب عملی دیگران به آن جاست (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۵۲).

۲. پاکیزه‌نگاه داشتن مسجد: از آن جایی که طهارت با عبادت ارتباط دارد و همینطور مکان پاکیزه موجب ترغیب افراد می گردد، به همین علت خداوند "وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَ عَهْدُنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ" (۲/۱۲۵)، حضرت ابراهیم و اسماعیل ع را مأمور پاکیزگی بیت الله می کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۰۰).

۳. طهارت افراد: در تفاسیر، در تفسیر "وَلَا جُنْبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا.." (۴/۴۳)، به یکی دیگر از آداب ورود به مساجد اشاره شده است و آن شرط طهارت افراد برای ورود به مسجد

است. برخی از مکان‌ها نیز به واسطه‌ی حضور اولیای الهی مقدس شده‌اند "یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ إِلَّا أَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ..." (۳۳/۳۳). مومنان قبل از ورود به منزل پیامبر ص، لازم است از ایشان کسب اجازه کنند و این چنین ادب را در برابر پیامبر ص رعایت نمایند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۵۴). رعایت این ادب حتی پس از رحلت پیامبر ص و بالتبع اهل بیت ایشان، نیکو و لازم شمرده شده‌است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۳). قرائت اذن دخول برای ورود به مرقده مطهر اهل بیت نیز حکایت از چنین ادبی دارد.

رعایت ادب نسبت به زمان خاص

زمان‌های خاص مانند زمان طلوع و غروب آفتاب در قرآن کریم مورد توجه خاص و تکریم است تا جایی که خداوند به آن سوگند یاد می‌کنند "والعصر" (۱/۱۰۳) و بدین ترتیب از بشر دعوت نموده‌اند که برای این زمان‌ها حرمت قائل شده و توجه خاص داشته باشند. به همین دلیل است که فریضه واجب نماز به عنوان محوری‌ترین و برترین ارتباط بندگان با خداوند در زمان‌های خاص اقامه می‌شود.

ادب اجتماعی در قرآن

ادب نسبت به اولیاء الهی

در آیه مبارکه "یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِیِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ کَجَهْرِ بَعْضِکُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُکُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ" (۲/۴۹)، خداوند متعال به انسان‌ها دستور می‌دهد تا در محضر پیامبر گرامی اسلام ص آداب سخن را رعایت نمایند. خداوند دستور می‌دهد افراد برای حفظ مقام پیامبر ص، ضمن رعایت نهایت ادب، هنگام صدازدن ایشان از طریق واژه‌هایی چون "یا نبی الله" (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۹: ۷۱)، صدای خود را در حضور ایشان بالا نبرند و از آن جناب بلندتر سخن نگویند، چه در زمان گفت‌وگو با ایشان و چه زمانی که ایشان ساکت هستند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۳۵۱) است.

رعایت ادب نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام که جانشینان آن پیامبر هستند نیز صادق است، زیرا رهبری الهی دارای مقام و احترام است. حفظ این حرمت علاوه بر اطاعت از دستورات ایشان و از طریق نیکو خطاب قراردادادن ایشان محقق خواهد شد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۸: ۲۱۷).

ادب در پیشگاه والدین

در تفاسیر رعایت ادب نسبت به اولیاء الهی به عنوان دستور الهی شامل بزرگانی چون استاد، پدر و مادر می‌شود، به بیان دیگر بالابردن صدا در حضور آن‌ها نوعی بی‌ادبی و بی‌حرمتی تلقی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۳۷). طبق آیه ۱۹ مبارکه "وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ" (۳۱/۱۹)، در هر حال بالابردن صدا، اصولاً امری ناپسند و نکوهیده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۲۷۰). در قرآن جایگاه والدین به طور ویژه مورد توجه قرار گرفته است و رعایت حرمت آنان به فرزندان توصیه شده است. شیرازه‌ی جامعه‌ی انسانی روابط عاطفی میان اعضای خانواده اعم از رابطه‌ی میان فرزندان و پدر و مادر و روابط متقابل این دو گروه است. از این‌رو خداوند برای حفظ و استحکام جامعه فرزندان را به رعایت ادب و احترام نسبت به والدین سفارش می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۰۶).

به طور کلی آموزه‌های قرآن در رابطه با ادب به والدین را می‌توان به موارد ذیل تقسیم کرد.

۱. نیکی به والدین ۲. تشکر از والدین ۳. دعا برای والدین ۴. انفاق به والدین ۵. اطاعت از والدین ۶. کسب اجازه از ایشان در برخی امور.

نیکی به والدین

نیکی به والدین از اشرف سعادات و افضل قربات است (نراقی، ۱۴۴۸، ج ۱: ۸۰۵). خداوند می‌فرماید: "وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا" (۲۳/۱۷). این آیه به خوبی اهمیت نیکی به والدین را بیان کرده و بلافاصله بعد از دستور به پرستش خداوند امر به نیکی والدین کرده است. نراقی نیکی به پدر و مادر را پس از پرستش خالصانه‌ی خود به عنوان مهمترین واجب می‌آورد تا آنجا که نیکی به والدین از نماز و روزه و حج و عمره و جهاد در راه خدا نیز با فضیلت‌تر دانسته شده است (نراقی، ۱۴۴۸: ۸۰۵). آیه در ادامه به فرزندان دستور می‌دهد در مقابل

والدین خضوع و خشوع در کلام و رفتار داشته باشند مخصوصاً در زمانی که سنشان افزایش یافته و به پیری گرایده زمان نهایت نیاز ایشان به فرزندان خود است. همچنین اجازه‌ی کمترین بی احترامی به ایشان نداده است (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۱۳: ۱۰۸-۱۱۰).

تشکر از والدین

خداوند شکر نعمت را مسبب افزایش آن معرفی کرده و می‌فرماید "لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ" (۷/۱۴). در بین انسان‌ها، پدر و مادر جزء کسانی هستند که باید از آن‌ها بخاطر تحمل رنج‌ها و سختی‌ها در رشد و تربیت فرزند قدردانی نمود.

دعا در حق والدین

یکی دیگر از موارد ادب فرزند نسبت به والدین که بسیار مورد توجه قرار گرفته و بدان امر شده است، دعای فرزندان در حق پدر و مادر است "وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا" (۱۷/۲۴). حضرت نوح ع همچنین حضرت ابراهیم ع برای والدین خود طلب مغفرت و آمرزش می‌کردند (۷۱/۲۸ و ۱۴/۴۱). دعای ۲۴ صحیفه سجاده به دعا برای پدر و مادر اختصاص یافته و حضرت سجاد ع از خداوند می‌خواهند که آنچه را که در مورد پدر و مادر واجب است به ایشان الهام نماید و او را در انجام آن‌ها یاری نماید.

انفاق به والدین

با توجه به اهمیت جایگاه والدین و رعایت ادب نسبت به ایشان، خداوند به فرزندان دستور می‌دهد که به پدر و مادر خود انفاق کنید "يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ" (۲/۲۱۵). آنچه قابل فهم است این است که این پنج طایفه از اولویت‌های انفاق هستند، اما مصادیق انفاق محدود به آنان نخواهد بود. در مورد اول دامنه انفاق بسیار گسترده شده و فقط به مال منحصر نمی‌شود و هر خیری مثل علم را نیز شامل می‌شود و در مورد دوم به اولویت‌های انفاق پرداخته شده است و بر این نکته تأکید شده که مسلماً پدر و مادر در این مساله اولویت دارند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۴).

اطاعت از والدین

جمله‌ی "وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ" (۱۵/۳۱) اشاره بر این دارد که اگر پدر و مادر با خدا بودند باید از آنان و راهشان پیروی و اطاعت نمایی. در آموزه‌های دینی ما فرزندان بسیار به اطاعت از والدین سفارش شده‌اند، در روایت آمده‌است که پیامبر گرامی اسلام ص در توصیه به مردی که از ایشان طلب نصیحت کرده‌بود، فرمودند: "پدر و مادر خود را اطاعت کن... اگر تورا امر کنند که دست از مال و اهل خود بردار، پس چنان کن" (کلینی، ج ۲: ۱۵۸).

کسب اجازه برای ورود به منزل والدین

یکی از دستورات خداوند حکیم در قرآن (نور: ۲۷) که جزء آداب اجتماعی بشمار می‌رود، سفارش به کسب اجازه برای ورود به منزل دیگران، آن‌هم به جهت حفظ حرمت‌ها و عفت‌هاست و سرانجام سعادت‌مندی بشر را در پی خواهد داشت. این حکم به صورت اختصاصی در مورد والدین نیز آمده است "وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ" (۵۹/۲۴).

ادب در جامعه

ادب مهمانی

در قرآن کریم نکاتی بسیار آموزنده و کاربردی به عنوان آداب میزبانی و مهمانی مطرح شده است. در آیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ" * لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ" (۲۴/۲۷-۲۹)، بخشی از آداب معاشرت و دستورهای اجتماعی اسلام که ارتباط نزدیکی با مسائل مربوط به حفظ عفت عمومی دارد بیان شده است و آن طرز ورود به خانه‌های مردم و چگونگی اجازه ورود گرفتن است. همچنین در آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی مبارکه‌ی هود نیز کسب اجازه از صاحب‌خانه برای ورود به خانه‌ی وی الزامی است. واژه‌ی «تَسْتَأْذِنُوا» در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی مبارکه‌ی نور از ریشه «استیناس» به معنای عملی

است که به منظور ایجاد انس و الفت و آرامش صورت پذیرد. استیناس برای ورود به خانه‌ی دیگران از طریق نام خدا بردن، و یا، یا الله گفتن و امثال آن، به جهت اطلاع صاحب خانه و آمادگی برای پذیرش مهمان و رعایت ادب و حفظ احترام و پوشاندن عورات مردم است. در نتیجه رعایت این ادب به هنگام ورود به منزل دیگران مایه استحکام اخوت و الفت و تعاون عمومی بر بروز زیبایی‌ها و فضایل و پوشاندن عیوب و زشتی‌ها خواهد بود (موسوی همدانی، ۱۳۷۴). از دیگر آداب میهمانی رد نکردن دعوت میزبان است. طبق عبارت "دُعِیْتُمْ فَأَدْخُلُوا" در آیه‌ی ۵۳ سوره‌ی مبارکه احزاب اگر انسان برای میهمانی دعوت شد، بهتر است که دعوت را رد نکند و در میهمانی شرکت نماید (قرائتی، ۱۳۸۳: ج ۹: ۳۹۲).

ادب میزبان

از جمله آداب میزبان نسبت به مهمان، اقدام سریع میزبان در پذیرایی از مهمان است و شایسته نیست مهمان را منتظر گذاشت (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۳۹۱). از دیگر آداب، تهیه غذا به صورت پنهانی است همانگونه که حضرت ابراهیم ع بلافاصله پس از ورود مهمان‌ها به گونه‌ای که حاضرین متوجه نشدند به تهیه‌ی غذا مبادرت می‌کرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۵۶۷). از دیگر آداب میزبانی، به استقبال مهمان رفتن است. در تفاسیر ذیل آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره‌ی مبارکه‌ی یوسف گفته شده که وقتی پدر و مادر حضرت یوسف ع از وطن خود به سمت مصر حرکت کردند، حضرت یوسف ع از ایشان استقبال نمود و آنان را در آغوش گرفت و با اکرام ایشان را به مصر داخل کرد (طباطبایی، ۳۷۴، ج ۱۱: ۳۳۶). داشتن سخاوت در پذیرایی از میهمان از دیگر آداب است. با توجه به آیات شریفه "هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ * إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ * فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ * فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ" (۵۱/ ۲۴-۲۷)، که به میهمانی دادن حضرت ابراهیم ع اشاره می‌کند، سخاوت در میهمانی را عملی شایسته و مورد رضایت پروردگار می‌داند، زیرا ایشان به عنوان پیامبر خدا و الگوی جامعه به این کار مبادرت ورزیده است.

ادب گفت‌وگو

در روابط اجتماعی، پروردگار متعال برای شنیدن گفت‌وگوی انسان‌ها با یکدیگر آدابی را تعیین کرده است. خداوند بهترین گفتار "قُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" (۵۳/۱۷) را از انسان طلب کرده است. در قرآن کریم هم در شنیدن و گوش دادن به سخنان دیگران و هم در سخن گفتن آدابی مطرح است به عنوان مثال آیه‌ی "الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ" (۱۸/۳۹) به رعایت ادب در هنگام شنیدن سخن دیگران اشاره دارد. در سخن گفتن نیز رعایت ادب از دستورات قرآن است "قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا" (بقره: ۸۳) یا "قُولُوا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا" (۴۴/ ۲۰). در آیه‌ی ۴۴ سوره‌ی مبارکه‌ی طه به حضرت موسی ع و هارون دستور می‌دهد تا با سخن نرم و به دور از خشونت فرعون را به اطاعت از خدا دعوت کنند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۳۴۸). با توجه به آیه‌ی "قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا" (۶۳/۴) کلام در مقام موعظه باید به‌طور بلیغ و صریح و رسا بیان شود تا مخاطب به خوبی آن را درک کند و متوجه عواقب و پیامدهای عملش گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۶۴۴). در جایی دیگر نیز خداوند به سنجیده "قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ" (۲۱/۴۷) و نیکو سخن گفتن "لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ" (۵۳/۱۷) دستور می‌دهد، و آن را لازمه‌ی عبودیت می‌داند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۷۵). گفته شده بهترین سخن که در این آیه (۱۷/۵۳) بدان امر شده است، بهترین از نظر محتوا، بهترین از نظر طرز بیان، و بهترین از جهت توأم بودن با فضائل اخلاقی و روش‌های انسانی است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۱۵۸). افزون بر موارد یادشده، خداوند در آیه "يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا" (۳۲/۳۳) به‌طور ویژه به آداب سخن گفتن زنان می‌پردازد. مخاطب این آیه‌ی شریفه زنان پیامبر اکرم ص هستند که خداوند به آن‌ها دستور می‌دهد، با ناز و کرشمه سخن نگویند تا بیمار دلان قصد طمع و سوء استفاده نکنند. با توجه به آیه‌ی مذکور زنان باید هم خوب حرف بزنند (فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ) و هم حرف خوب (قَوْلًا مَّعْرُوفًا) بزنند. به بیان دیگر، زنان باید سخنی بگویند که هم محتوای آن مناسب باشد و هم شیوه‌ی بیان خوب باشد (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۹). حتی در قرآن در مواجهه با مخالفان نیز، انسان را به رعایت ادب فرامی‌خواند. آیه‌ی "ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ" (۱۶/۱۲۵)

توصیه به رعایت آداب نسبت به یکدیگر محدود به افراد هم عقیده با انسان نمی‌شود، بلکه انسان‌ها موظف هستند حتی در مواجهه با افراد مخالف عقیده‌شان نیز آداب را رعایت کنند. مؤلفه‌های رعایت ادب در معنای گفت‌وگو در آموزه‌های امام علی (ع)، نیز عبارتند از سخن حکمت‌آمیز، سخن همراه با اندیشه، سخن به موقع و سخن حق (واعظی، طوفان‌فرد و سعادت‌مند، ۱۴۰۰).

ادب در تعامل با همسایه

دستور خداوند متعال در آیه‌ی "وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا" (۳۶/۴) به بندگانش این است که ادب را نسبت به همسایگان خود، از طریق احسان به ایشان، مراعات نماید.

ادب شاگرد در تعامل با استاد

در داستان همراهی حضرت موسی ع با حضرت خضر ع در آیه‌ی "قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا" (۶۶/۱۸) سخنان حضرت موسی ع، به عنوان شاگرد، خطاب به حضرت خضر ع به عنوان استاد و هدایت‌گر ایشان، سرشار از رعایت ادب و احترام شاگرد در برابر استاد است. این ادبیات و نوع سخن گفتن متواضعانه‌ی حضرت موسی ع، نشان از اهمیت ویژه رعایت ادب و احترام شاگرد در برابر استاد است. بنابراین تواضع و فروتنی در برابر معلم، از اخلاق انبیاست و به طریق اولی هر کس در هر مقام و جایگاهی، به هنگام کسب علم و دانش، باید نسبت به معلم خویش با فروتنی و تواضع و ادب برخورد کند تا بتواند موفق به تحصیل علم گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۲۱).

کارکردهای تربیتی ادب

در این بخش، با توجه به مصادیق و موارد کاربرد ادب در قرآن کریم، کارکردهای تربیتی آن که در حقیقت همان آثار و نتایج مطلوب برای تحقق اهداف و ایفای نقش هر یک از عوامل تربیتی است، تبیین و مورد بحث قرار می‌گیرد.

الگوپردازی

تحقق حقیقی تربیت دینی برای غیرمعصوم، بدون ارائه اسوه و الگو امکان‌پذیر نخواهد بود چراکه انسان بر اساس فطرتش کمال طلب و الگو طلب است. زمانی که فرد با نمود عینی و مشهود آنچه که مقصود است مواجه می‌شود و در عمل رفتاری را که باید انجام دهد می‌بیند و می‌فهمد (موسوی و صدری‌فر، ۱۳۹۲). الگوپردازی به معنای توجه به الگوهای مطلوب و بیان و توصیف ویژگی‌های آنان است به گونه‌ای که مربی را به تخیل و تجسم الگو یا صحنه واقعه‌ای بکشانند (البرزی، کریمی و اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در قرآن از این شیوه‌ی تربیتی استفاده شده است و برای ایجاد انگیزه و رغبت، در خلال امر به رعایت آداب در مقابل والدین به ارائه‌ی مصادیقی به عنوان الگوی رفتاری بشر می‌پردازد. خداند متعال ذیل آیه‌ی ۱۴ سوره مبارکه مریم، به حضرت یحیی ع اشاره می‌کند و رفتار او با خدا و پدر و مادر و دیگران را یادآور می‌شود که او در مقابل پروردگار پرهیزکار و در مقابل والدینش نیکوکار و در برابر مردم خیرخواه و متواضع بود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۲۵). در آیه‌ی ۱۹ سوره مبارکه نمل در سخنان حضرت سلیمان با پروردگارش این گونه آمده‌است که ایشان از خدای متعال درخواست شکر از جانب خویش و همچنین از جانب پدر و مادرش را به صورت همیشگی خواستار است. مشخص است که این دعا بعد از وفات پدر و مادر است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۷۶). همچنین آیه ۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی نوح می‌فرماید که حضرت نوح برای خود و والدینش طلب مغفرت می‌کرد. آیات ۷۸-۸۰ از سوره‌ی مبارکه‌ی شعرا حضرت ابراهیم ع به توصیف پروردگار عالمیان و ذکر نعمات مادی و معنوی او می‌پردازد. ایشان در ابتدا از آفرینش و هدایت پروردگار سخن می‌گویند "الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ" (۷۸/۲۶) سپس به مهم‌ترین نعمت‌های مادی اشاره می‌کند "وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ" (۷۹/۲۶). در ادامه به یادآوری نعمت سلامتی می‌پردازد و این صحت و سلامتی و شفای پس از بیماری را از جانب خدای شافی می‌داند "وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ" (۸۰/۲۶) در برخی تفاسیر ذیل این آیه‌ی شریفه، به نکته‌ی ظریفی اشاره شده‌است که با وجود اینکه گاهی بیماری نیز از جانب خداست اما حضرت ابراهیم ع برای رعایت نهایت ادب و احترام، آن را به خود نسبت می‌دهد (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۹۵ و مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۲۵۸). البته لازم به ذکر است که علامه طباطبایی مخالفت خود را این چنین با این دیدگاه مطرح می‌نماید که آیه درصدد بیان نعمات

پروردگار است و از آن جایی که بیماری جزء نعمت محسوب نمی‌شود، لذا بیماری را به خودش نسبت داد تا مقدمه‌ای برای ذکر نعمت شفا و سلامتی باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۳۹۷). در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی صافات خداوند به ادب حضرت اسماعیل ع به هنگام شنیدن امر خداوند از پدرش حضرت ابراهیم ع اشاره می‌کند که او با آغوش باز از این فرمان استقبال کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۱۱۲). آیه‌ی ۶۷ و ۶۸ سوره‌ی مبارکه یوسف درباره ماجرای رفت و آمد فرزندان حضرت یعقوب ع از کنعان به مصر برای تهیه‌ی آذوقه و... است که حضرت یعقوب ع به ایشان دستور داد تا به جهت شناسایی نشدن از درهای متعدد وارد شوند و آنان نیز چنین کردند. همچنین آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی یوسف به اقامت پسر بزرگ حضرت یعقوب ع در مصر، به جهت کوشش برای اجرای فرمان پدر، مبنی بر بازگرداندن بنیامین، اشاره می‌شود. او چون می‌دانست خواسته‌ی پدر را درمورد برادرش انجام نداده است پس به امید کسب رضایت پدر از طریق اجرای دستورش در مصر ماند.

قرآن کریم با در اختیار قراردادن الگوهای رفتاری پیامبران به عنوان مصادیق و الگوهای تربیتی مطلوب، زمینه بهره‌مندی از این الگوهای عینی تربیتی را برای اهل تأمل و اندیشه در آیات قرآن فراهم نموده است.

ارتقاء رابطه انسان با خدا

خشوع، خضوع و رعایت ادب در پیشگاه خداوند و به ویژه در هنگام عبادت و نماز، موجب تقرب بیشتر انسان به خدا می‌شود که هدف غایی تربیت از منظر فلسفه تربیتی اسلام (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱) است. ادب انسان در ارتباط با خداوند به فهم و شناخت وی از آن وجود قادر، حکیم، علیم و لایتناهی بستگی دارد. چنانچه انسان این عالم هستی را، نظام شاهد و مشهودی بداند که انسان به عنوان یکی از مخلوقات در احاطه آن است و خداوند را یگانه رب و صاحب و مالک عالم خلقت درک کند، در پیشگاه خداوند سر تعظیم فرود آورده و با نهایت ادب از دستورات خداوند پیروی و شکرگزار نعمت‌های خداوند خواهد بود. بنابراین، در جریان تعلیم و تربیت، چنانچه زمینه شناخت هر چه بیشتر خداوند و عظمت وجودی وی برای متربیان فراهم باشد، ارتباط آنان با خالق و رب حقیقی خود

بیشتر و پیروی از دستورات قرآن که نشان از ادب آنان در پیشگاه خداوند خواهد بود، بیشتر خواهد شد.

ارتقاء احساس ارزشمندی

حرمت به مکان و زمان و اجرای به هنگام برنامه های زندگی و رعایت نظم در امور، احساسی خوشایند از نوع ارزشمندی در انسان ایجاد می کند. این احساس ارزشمندی موجب می شود افراد با انگیزه بیشتر برنامه ها و امور زندگی را سامان بخشند و نتیجه آن نیز دستیابی به سطحی از آرامش در زندگی خواهد بود.

ارتقاء هویت شخصی

انسان با رعایت ادب، به نوعی نظم درونی می رسد که از اهداف مهم تربیت است. پیامد چنین نظمی، انجام امور با برنامه به دلیل اهمیت و ارزش یافتن زمان و مکان برای افراد است. ایجاد شخصیتی متواضع، شاکر و مطیع امر الهی در نتیجه انجام دستورات الهی است. رعایت ادب مبتنی بر معرفت و شناخت، موجب ایجاد بینش و تعمق شخصیت در انسان و رشد همه جانبه شخصیت وی می شود.

ارتقاء روابط خانوادگی

خانواده یکی از مهمترین کانون های تربیتی است که شاکله تربیتی انسان را شکل داده و شخصیت و هویت وجودی انسان را پایه ریزی می کند (صمدی، رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). همچنین خانواده به عنوان یکی از ارکان اساسی و عوامل سهیم و مؤثر فرایند تربیت، به طور طبیعی مهمترین نقش را در زمینه سازی رشد و تحول فرزندان بر عهده دارد. در دیدگاه اسلامی با ملاحظات گوناگون، بر جایگاه خانواده در فرایند تربیت تأکید می شود. آیه "ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خود را حفظ کنید از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است" (۶۶/۶) به صراحت بر مسئولیت تربیتی خانواده تأکید دارد (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱).

رعایت ادب در روابط اعضای خانواده و حفظ حرمت یکدیگر در کنار ساخت فضایی صمیمی و بدون تنش، به ارتقاء روابط بین افراد خانواده کمک می کند و موجب استحکام روابط خانوادگی و در نتیجه ایفای نقش مؤثر خانواده در تحقق فرایند تربیت می شود.

ارتقاء تعاملات اجتماعی انسان

رعایت ادب در سطوح مختلف اجتماعی همچون در سطح خانواده، در سطح جامعه (مدرسه و در رابطه با استاد و معلم و هم کلاسی) در روابط همکاران در محیط کاری و در رابطه با همسایگان و حتی در مواجهه با رقبا و مخالفان، موجب ارتقاء تعاملات و کیفیت آن خواهد شد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

خداوند متعال با هدف مفید و موثر واقع شدن امور انسان‌ها، در راستای ایجاد و کسب نشاط، بالندگی، آرامش افراد و جامعه بشری و سرانجام رضایت حضرت حق، آداب و شرایط ویژه‌ای را مختص هر عمل تعیین نموده تا اینچنین عمل به معنای واقعی کلمه در راستای رضایت پروردگار و به صورت تمام و کمال انجام گیرد. بنابراین، انسان همواره باید توجه داشته باشد که ذیل هر عمل فردی یا اجتماعی، آدابی مترتب شده است که تنها با رعایت و در نظر گرفتن آن‌ها، آن عمل مقبول گشته و مسیر سعادت را هموار می‌سازد.

یکی از ارزش‌های انسانی در حوزه‌ی فردی و اجتماع، ادب است. با نگاهی فلسفی می‌توان گفت چرایی رعایت ادب، شرط انسانیت است و وجه تمایز بشر با سایر مخلوقات در ادب و آداب‌دانی وی است. با نگاهی دین‌شناختی نیز می‌توان گفت، ادب، همانا رعایت حدود الهی و دستورالعمل‌های شریعت است. از بعد روان‌شناختی نیز می‌توان گفت رعایت ادب، افزون بر دستیابی به آرامش فردی، موجب تأمین احساس امنیت و آسایش در جامعه نیز می‌شود.

مفهوم ادب یکی از مفاهیم پرکاربرد در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و از آن جمله اخلاقی، تربیتی و اجتماعی است. این مفهوم هم از جنبه‌ی نظری و هم از جنبه‌ی عملی عرصه‌ی وسیعی دارد و به طور ویژه در علم اخلاق باب مخصوصی به خود اختصاص داده است. در واقع، یکی از ارکان مهم حفظ قوام روابط اجتماعی نهادینه شدن ادب و احترام به یکدیگر است.

گرچه در قرآن کریم واژه آدب بکار نرفته است ولی در آیات فراوانی به مفهوم آن که مجموعه گسترده‌ای از روابط فردی و اجتماعی است، اشاره شده است. همچنین مصادیق فراوانی را نیز در این باره ذکر کرده است از جمله: در مکان‌های مقدس (۲۰/۱۲ و ۲۰)، ادب دعا و

خواستن از پروردگار (۷۴/۲۵)، ادب برخورد با آیات الهی (۷۳/۲۵)، ادب شاگرد در برابر استاد (۱۸/۶۱-۱۱۰)، ادب برخورد با مردم (۶۳/۲۵) و... اشاره نمود.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ادب فردی در قرآن که ریشه در فطرت وی داشته، با محوریت ارتباط انسان با خداوند قابل تبیین است. این آداب عبارتند از: ادب تشکر از خدا، ادب اطاعت از دستورات الهی، ادب حضور در مکان‌های مقدس و محل عبادت، رعایت ادب نسبت به زمان خاص. ارتباط مفهومی تشکر با ادب از این جهت است که، تشکر از خداوند متعال به جهت رعایت ادب و احترام نسبت به ساحت مقام ربوبی پروردگار است تا انسان با انجام هریک از مراحل شکرگذاری گامی در مسیر مؤدب ساختن خویش در برابر منعم حقیقی خویش بردارد. ارتباط مفهومی پیروی از دستورات الهی با ادب و شکرگزاری نیز از این جهت است که چنانچه بنده بخواهد از نعمات خالق خود تشکر کند، بالاترین تجلی این شکرگزاری، اطاعت و پیروی از خالق است که در نهایت ادب در محضر وی انجام می‌شود. برای مثال انسان در حالت نماز با نهایت ادب و تواضع در پیشگاه خالق حضور یافته و حمد و شکرگزاری را به جا می‌آورد. به همین دلیل نماز از بارزترین نمودهای ادب در پیشگاه الهی است.

ادب اجتماعی در قرآن نیز عبارتند از: الف. ادب نسبت به اولیاء الهی، ب. ادب نسبت به والدین مانند تشکر و دعا در حق ایشان، انفاق به آنان، اطاعت و کسب اجازه برای ورود به منزل والدین ج. ادب در جامعه مانند ادب مهمانی، ادب میزبانی، ادب گفت‌وگو، ادب در تعامل با همسایه و ادب شاگرد در تعامل با استاد. از بعد اجتماعی نیز رعایت ادب نسبت به کسانی که حقی بر انسان دارند مانند پدر و مادر، معلم و همسایه و دیگران نشانه ادب انسان در تعاملات اجتماعی است. این ادب بر مبنای فهم و شناخت انسان از موقعیت خود و دیگران ناشی می‌شود. انسان در موقعیت‌های خاص مانند طفولیت و کودکی و حتی در موقعیت‌های تربیتی نیازمند و وابسته به دیگران است. چنانچه در موقعیت عدم‌نیاز به دیگران، به بازخوانی موقعیت‌های نیازمندی پیانندیشند، به معرفتی دست خواهد یافت که نتیجه آن قدرشناسی و رعایت ادب نسبت به دیگران است.

این یافته‌ی پژوهش با یافته‌های پژوهش رودگر (۱۳۸۳)، شمس و فرحانی‌زاده (۱۴۰۰)، قانندی (۱۴۰۱) و موثقی (۱۴۰۰) در تلائم است. همچنین یافته‌های پژوهش با مبانی و اصول تربیت در مبانی نظری تحول‌بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۱)،

که تأدیب فرزند را حق وی از طرف والدین و خانواده و جامعه و نظام تربیتی آن معرفی می‌کند و تربیت را فرایندی تعاملی و زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت افراد به جهت آماده‌شدن ایشان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتبی از حیات طیبه، تعریف می‌کند در تناسب است.

با توجه به مصادیق و موارد کاربرد ادب در قرآن کریم، کارکردهای تربیتی ادب نیز عبارتند از الف. الگوپردازی ب. ارتقاء رابطه انسان با خدا ج. ارتقاء احساس ارزشمندی د. ارتقاء هویت شخصی ه. ارتقاء روابط خانوادگی و. ارتقاء هویت اجتماعی و ی. ارتقاء تعاملات اجتماعی انسان. در الگوپردازی، افراد جامعه در هر سطحی، از مصادق‌های قرآن و حتی مصادیق عینی موجود در جامعه، رفتار مناسب را آموخته و در موقعیت‌های خاص به کار خواهند گرفت. رعایت ادب بنده نسبت به خالق، رفته‌رفته در جان انسان رخنه کرده و باطن وی را تحت تأثیر قرار داده و موجب بالارفتن کیفیت ارتباط انسان با خداوند می‌شود. رعایت ادب، همچون عامل هویت‌بخش، به انسان تشخص ویژه و تمایز می‌بخشد که این تشخص، تعیین‌کننده روابط خانوادگی و اجتماعی متمایزی برای انسان می‌شود.

شناسایی عوامل و مؤلفه‌های زمینه‌ساز ادب فردی و اجتماعی در برنامه درسی الف. حوزه تربیت و یادگیری حکمت و معارف اسلامی، ب. حوزه تربیت و یادگیری قرآن، حوزه تربیت و یادگیری زبان و ادبیات فارسی، ج. حوزه تربیت و یادگیری فرهنگ و هنر، د. حوزه تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی و به طور ویژه در ه. حوزه تربیت و یادگیری آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده در دوره‌های مختلف تحصیلی به عنوان پژوهش علمی به علاقه‌مندان و پژوهشگران پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن مجید (۱۳۹۷). ترجمه فولادوند، محمد مهدی.
- نهج البلاغه حضرت علی (ع). (۱۳۹۲). ترجمه محمد دشتی، چاپ دهم، قم: انتشارات موعود اسلام.
- البرزی، محبوبه؛ کریمی، محمدحسن؛ اسفندیاری، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی میزان برخورداری کتب‌های دین و زندگی مقطع دبیرستان از مؤلفه‌های روش تربیت الگویی در اسلام. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۳(۲۹)، ۱۲۱-۱۳۳.
- آلوسی، محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق علی عبدالباری عطیه، جلد ۱۰، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۴۲۱). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، جلد اول، ریاض: دارابن الجوزی.
- ابن عباد، صاحب و اسماعیل. (۱۴۱۴). المحيط فی اللغة، جلد نهم، بیروت: عالم الکتاب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب، به تصحیح جمال‌الدین میردامادی، جلد اول، بیروت: دار الفکر.
- امامی‌راد، احمد؛ محامی، مصطفی (۱۳۹۳). "بررسی مفهوم ادب و تادیب و نسبت آنها با تربیت و واژه‌های مرتبط دیگر"، مطالعات فقه تربیتی، دوره ۱، شماره ۹: ۸۰ تا ۹۱.
- ایازی، سید علی نقی. (۱۴۰۰). بایسته‌های ادب حضور در زیارت با رویکرد مبتنی بر نظریه زمینه‌ای (مطالعه موردی حرم رضوی)، پژوهشنامه حج و زیارت، ۶(۲): ۱۵۹-۱۹۰.
- بهاری اردشیری، عباسعلی. (۱۳۸۱). واژه ادب و موضوعات علوم ادبی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۳: ۳۴۵-۳۷۰.
- پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۳۹۱) مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق). الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ ق). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، جلد اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، جلد اول، بیروت: دارالفکر.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۷۶) ارشاد القلوب الی الصواب، ترجمه علی سلگی نهاوندی، جلد اول، قم: ناصر.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۳). عاشورا تجلی ادب رحمانی، رواق اندیشه، شماره ۳۸: ۵۴-۷۵.
- رمضانی‌نژاد اصفهانی، مریم. (۱۴۰۱). نسبت بین عقل و ادب بر اساس آموزه‌های دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده اهل بیت (ع).

- زمخشری، محمود. (۱۴۰۷). *الکشاف فی تفسیر القرآن*، جلد سوم، قم: نشر ادب.
- شمس، محمدجواد؛ فرحانی‌زاده، مجید. (۱۳۹۴). مفهوم عرفانی ادب ورزی در آثار جامی و مقایسه آن با مهم‌ترین آثار عرفانی به زبان فارسی، *نامه فرهنگستان*، شماره ۵۵، ۱۴(۳): ۹۴-۱۰۹.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). *فرهنگ عمید*، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد. (۱۴۰۹ ق). *العین*، جلد هشتم، قم: هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، جلد دوم، قم: موسسه دارالهجره.
- قادری، سید صفی‌اله. (۱۳۸۸). *پرتوی از ادب قرآنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- قائدی، پرستو. (۱۴۰۱). *مدخلی بر ادب و واژگانی قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران جنوب.
- قائمی، علی. (۱۳۶۸). *اخلاق و معاشرت در اسلام*، چاپ سوم، تهران: امیری.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- صمدی، معصومه؛ رضایی، منیره. (۱۳۹۰). بررسی نقش تربیتی خانواده در نظام تربیت رسمی و عمومی از دیدگاه علم و دین، *فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۹ (۱۲): ۹۵-۱۱۷.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، ۲۰ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، جلد شانزدهم، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخر الدین بن محمد. (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، به تصحیح احمد حسینی اشکوری، جلد دوم، تهران: مرتضوی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۹، تهران: انتشارات اسلام.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد اول، چاپ هفدهم، تهران: صدرا.
- کاشانی، ملافتح‌الله. (۱۳۳۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، چاپ سوم، تهران: علمی.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۱). *اصول کافی*، ۸ جلد، بیروت: دارالتعارف.
- کومبز، جرال د آر؛ و دنیلز، لو روی بی. (۱۳۹۴). *پژوهش فلسفی: تحلیل مفهومی (ترجمه خسرو باقری)*. در: *ادموند سی. شورت: روش‌شناسی مطالعات برنامه درسی (ترجمه محمود مهرمحمدی و همکاران)*. تهران: سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*، جلد پانزدهم و نوزدهم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی، سید ابوالقاسم؛ صدری‌فر، نبی‌الله. (۱۳۹۲). *راهبردهای تربیتی از دیدگاه قرآن، اخلاق و حیانی*، ۳(۱): ۱۶۱-۱۲۱.

- نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۴۸). *معراج السعاده*، جلد اول: تهران: حوزه علمیه اسلامی.
- نیلی پور، مهدی. (۱۳۸۷). *بهشت اخلاق*، جلد اول، چاپ چهارم، تهران: شریعت.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه.
- موثقی، یاسین. (۱۳۹۹). *شیوه‌های ادب‌مندی و ادب‌ورزی در قرآن کریم*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی خوی.
- سعادت‌مند، زهره. (۱۴۰۱). بررسی جایگاه و مفهوم گفتگو و پرسشگری واعظی، سید حسین؛ طوفان فرد، خدیجه؛ در آموزه‌های حضرت علی (ع)، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۰(۵۷)، ۱۱۷-۱۵۰.

